

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: ش. حمید

دوازدهم می 2013

اشعار برگزیده زنده جاوید "داوود سرمد"

(پنجاه و یک)

بهاریه

روزگاری درین ستمزده باغ
در لُحاف سپید و ساده برف
شاخ، بی برگ و خشک و عریان بود
پیکر کوه خفته، پنهان بود
با سمند سیاه، لشکر باد
تُند در هر طرف شتابان بود
یخ چو راهی به کاخ عیش نداشت
شکوه در کلبه ها فراوان بود
چشم یک بینوا نمیخندید
گله ای نیست، چون زمستان بود

یک سخن، حکمران کشور دی

سخت بیرحم و نامسلمان بود!

تا که خورشید نوبهار دمید
باز در پیکر کرخت زمین
تاج برفی ز سر به زیر افتید
خون گرم بهار تازه دمید
باز در دشت ابرپوش فلک
غنچه برق مزده هـا خندید
باز از شوق پرزدن در اوج
اشک شادی ز چشم ابر چکید
باز از شاخه درخت زمان
زاغ سرمای دلفسـرده پرید
باز با کاروان نغمه و ساز
بلبل بیقـرار مست، رسید

باز از بارِ نکهتِ گلها گردنِ شاخ، عاجِ زانه خمید

گشت لبریز، جامِ پاکِ چمن

از می‌رنگ و بوی سرو و سمن

اشکِ غم را ز چشم هستی من خنده نوبه‌ها را خشکانید

در شبستانِ سردِ خاطرِ من گرمیش آفتاب تابانید

از شـرابِ نشاط و شور مرا جرعه ای عاشقانه نوشانید

در چمنزارِ دفترِ شعرم بذرِ الهامِ عشق افشانید

عشق، در دشتِ تشنه لبِ من لاله های ترانه رویانید

در خُمِ گرم آرزو و امید چون میم، جاودانه جوشانید

درسِ جاانبازی و ثباتم داد

از حصارِ قفس، نجاتم داد